

A Semiotic Analysis of Non-Verbal Communication in “Al-Taliani” by Shukri Mabkhout

Masoud Bavanpouri

Ph.D. Student of Arabic Language and Literature, Azarbaijan Shahid Madani University

Abdolahad Gheib

Associate Professor of Arabic Language and Literature, Azarbaijan Shahid Madani University

Mahin Hajizadeh

Associate Professor of Arabic Language and Literature, Azarbaijan Shahid Madani University

Khalil Parvini

Professor of Arabic Language and Literature, Tarbiat Modares University

Abstract

Semiotics is a kind of interdisciplinary research that studies and analyzes the signs and the hidden meanings beyond them. Non-verbal communication is one of the branches of semiotics that encompasses a variety of people's motor behaviors including facial expressions, body movements, gestures, conversation adjustment movements, etc. Moreover, attitudes, postures, attires, facial communications, body gestures, artifacts, time, place, music, etc. are non-verbal communication signs that can independently convey a message or help to convey verbal messages. This type of communication has six functions such as complementing, denying, repeating, controlling, substituting, and emphasizing. Hence, the present study sought to examine the work of contemporary Tunisian author Shukri Mabkhout's novel from the standpoint of non-verbal communication signs, including facial expressions, eye states, taste and smell, objects, distance, etc. This new reading of the text makes it possible for the readers to decode the messages which the author conveyed through non-verbal elements. The importance of Al-Taliani's novel goes back to its selection as a Poker Prize in 2015 so that its semantic review was crucial in the present study. The results indicated that al-Makhbouth benefited the most from various facial expressions, functions and their implications. He used these cases to express things such as fear of something strange, satisfaction, ridicule, and shame. Alongside, other modes and organs were also involved in delivering the author's messages. Furthermore, most of these messages had a successor function.

Keywords: Semiotics, Non-verbal Communication, Arabic Novel, Shukri Mabkhout, Al-Taliani

-Received on: 30/08/2019

-Email: hajizadeh_tma@yahoo.com

-DOI: 10.30479/lm.2019.11499.2859

Accepted on: 22/10/2019

نشانه‌شناسی ارتباطات غیرکلامی در رمان «الطلیانی» اثر شکری المبخوت*

مسعود باوان پوری، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

عبدالاحد غیبی، دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

مهین حاجی‌زاده، دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

خلیل پروینی، استاد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

نشانه‌شناسی یکی از پژوهش‌های میان‌رشته‌ای است که به بررسی و تحلیل نشانه‌ها و درک معانی نهفته در آنها می‌پردازد. ارتباط غیرکلامی نیز یکی از شاخه‌های نشانه‌شناسی است که انواع رفتارهای حرکتی افراد از جمله حالات چهره، حرکت‌های بدن، ژست‌ها و حرکت‌های تنظیم مکالمه و ... را در بر می‌گیرد. همچنین طرز قرار گرفتن، ایستادن، طرز لباس پوشیدن، ارتباطات چهره‌ای، اشارات اندامی، پیرا زبان، مصنوعات، زمان و ... نشانه‌های ارتباط غیرکلامی هستند که می‌توانند به صورت مستقل پیامی را منتقل نمایند و یا کمک کنند تا پیام‌های کلامی اثرگذارتر شوند. این نوع ارتباطات، دارای شش کارکرد تکمیل کردن، تکذیب کردن، تکرار کردن، کنترل کردن، جانشینی و تأکیدی می‌باشد. این پژوهش درصدد است تا رمان «الطلیانی» اثر شکری المبخوت، نویسنده معاصر تونسی را از منظر نشانه‌های ارتباط غیرکلامی از جمله: حالات چهره، حالات چشم، چشایی و بویایی، اشیاء، میزان فاصله و ... بررسی نماید. این خوانش تازه از متن سبب می‌شود تا خواننده، پیام‌هایی را که نویسنده از طریق عناصر غیرکلامی به وی منتقل کرده، رمزگشایی نماید. اهمیت رمان الطلیانی از انتخاب آن در جایزه پوکر به سال ۲۰۱۵ نشأت می‌گیرد و بررسی آن از منظر نشانه‌شناسی، ضرورت اصلی پژوهش پیش‌رو بوده است. نتایج پژوهش نشانگر آن است که المبخوت از حالت‌های مختلف چهره و کارکردهای مربوط به آن، بیشترین بهره را برده و از این حالت‌ها برای بیان مواردی؛ مانند ترس از وقوع امری عجیب، رضایت، تمسخر و تحقیر، خجالت، شرم و ... استفاده کرده است. در کنار این موارد، حالت‌ها و اندام‌های دیگری نیز در رساندن پیام‌های نویسنده دخیل هستند و بیشترین کارکرد این پیام‌ها، کارکرد جانشینی است.

کلمات کلیدی: نشانه‌شناسی، ارتباط غیرکلامی، رمان عربی، شکری المبخوت، الطلیانی.

* - تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۶/۰۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۷/۳۰

- نشانی پست الکترونیکی (نویسنده مسؤول): hajizadeh_tma@yahoo.com

- شناسه دیجیتال (DOI): 10.30479/lm.2019.11499.2859

۱. مقدمه

امروز و در روزگار پیشرفت علم، پژوهش‌های میان‌رشته‌ای اهمیت و کاربرد فراوانی دارند. «پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در دوران کنونی بسیار مورد توجه قرار گرفته است و در حوزه مطالعات ادبی با وجود پیشینه اندک، از دامنه وسیعی برخوردار است. تحلیل آثار ادبی با این رویکرد، افق‌های جدیدی را فراروی محققان ادبی باز کرده و به تفسیرهای تازه‌ای از آنها منجر می‌شود.» (محمودی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۰۲) نشانه‌شناسی یکی از دانش‌های میان‌رشته‌ای است که نشانه‌ها و معانی نهفته در آنها را تحلیل می‌کند. نشانه عبارت است از «هر چیزی که بر چیز دیگری غیر از خودش دلالت کند.» (باقری، ۱۳۹۰: ۴۳) نشانه، اتحاد دال با مدلول است؛ «دال صورتی است که نشانه به خود می‌گیرد و مدلول، معنا و مفهومی است که نشانه بر آن دلالت دارد.» (ضیمران، ۱۳۸۲: ۴۰)

رمان معاصر آمیخته‌ای از ارتباطات و کنش‌های کلامی و غیرکلامی است؛ «آنچه را که راوی روایت می‌کند، بیانی از کنش غیرکلامی شخصیت‌هاست و آنچه را که به نقل از شخصیت‌ها روایت می‌کند کنش کلامی آنهاست.» (محمدی، ۱۳۷۸: ۱۴۸) ارتباطات غیرکلامی در برگیرنده حرکت‌ها و رفتارهایی است که نویسنده بیان کرده و خواننده آگاه می‌تواند با نشانه‌شناسی آنها، بیشتر به عمق افکار و خواسته‌های نویسنده راه یابد. همچنین ارتباطات غیرکلامی می‌تواند به عنوان محور شناخت و ارزیابی شخصیت‌های داستان و ایجاد تعلیق از طریق عکس‌العمل‌های کند و سریع رفتاری، ایماها و اشارات شخصیت‌ها، ذهن خواننده را درگیر و به ادامه خواندن داستان ترغیب کند.

رمان الطلیانی، اثر شکری المبخوت، نویسنده معاصر تونسی است که سال ۲۰۱۵ برنده جایزه مشهور پوکر عربی (الجائزة العالمية للرواية العربية) شده است. می‌توان گفت نویسنده با اثر ادبی فاخر خویش، توانسته توجه خوانندگان را به رمان معاصر تونس معطوف سازد. وی در رمان خویش با استفاده از گفتار و رفتار شخصیت‌ها شخصیت‌پردازی می‌کند و خواننده با بررسی نشانه‌هایی که نویسنده در اختیار وی قرار داده است، به خوبی با شخصیت‌ها آشنا می‌شود، چراکه رمزگشایی از رفتار شخصیت‌ها می‌تواند راهی برای شناخت و ارزیابی هویت شخصیت‌های آن رمان باشد. این پژوهش کوشیده است مقصود نویسنده را از انتقال پیام در قالب رفتارهای غیرکلامی شخصیت‌های رمان تبیین کند. رمان انتخاب‌شده، علاوه بر اینکه در سال ۲۰۱۵ برنده جایزه پوکر عربی شده، دربرگیرنده بخش قابل توجهی از تاریخ معاصر تونس

و فرهنگ غالبی است که از سوی فرانسه بر آن تحمیل شده است و همین امور، بررسی آن را از منظر ارتباطات غیرکلامی ضروری می‌سازد.

همچنین پژوهش پیش رو در پی پاسخ به سؤال‌های زیر به رشته تحریر درآمده است:

۱. مصداق‌های ارتباطات غیرکلامی در رمان الطیانی کدام‌اند؟

۲. این مصداق‌ها بر چه مفاهیم و کارکردهایی دلالت دارند؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

زهره محققیان و اعظم پرچم (۱۳۹۴) در مقاله «نشانه‌شناسی ارتباطات غیرکلامی در آیات قرآن کریم»، متن قرآن کریم را از منظر نشانه‌های ارتباطات غیرکلامی از جمله رفتارها، زمان، مکان و ... بررسی کرده‌اند تا پیام‌هایی که خداوند از طریق عناصر غیرکلامی به انسان منتقل نموده را رمزگشایی نمایند. نجم عبدالله کاظم (۲۰۱۵) در مقاله «الأكاديمية شكري المبخوت ساردا؛ وقفة عند رواية الطیانی» در قالب شش صفحه، خلاصه‌ای از این رمان ارزنده را ارائه کرده است. رنده یحی (۲۰۱۶) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد «عنف اللسان في رواية الطیانی لشكري المبخوت دراسة في ضوء نظرية الأنساق الثقافية» در دو فصل به بررسی مفهوم العنف، العنف زبانی و تاریخی آن در دوره‌های مختلف و نیز بررسی پدیده‌های زبانی؛ مانند نسق، فرهنگ و نقد فرهنگی رمان الطیانی پرداخته است. خولة سعدوني و رحمة قعقاع (۲۰۱۸) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشترک «صراع الأفكار في رواية الطیانی لشكري المبخوت» به بررسی مفهوم ایدئولوژی و آغاز آن نزد اروپاییان و اعراب، ارتباط آن با ادبیات و رمان و حضور آن در رمان عربی و در بخش دوم به بررسی درگیری و برخورد فکری بین شخصیت‌های رمان الطیانی پرداخته‌اند.

۲. نشانه‌شناسی ارتباطات غیرکلامی و کارکردهای آن

علم نشانه‌شناسی «نشانه‌هایی را بررسی می‌کند که هدف از آنها، انتقال پیامی به دیگری است.» (گیرو، ۱۳۸۰: ۳۹) استفاده از نشانه‌ها و رمزها، به‌عنوان ابزاری نیرومند و مؤثر در تمامی ابعاد زندگی در حال افزایش روزافزون است؛ به طوری که کارکرد اصلی نشانه‌ها، انتقال معنا از طریق نظام پیام‌ها در نظر گرفته شده است. از سوی دیگر، یکی از پرکاربردترین و مؤثرترین روش‌ها در تحلیل انواع متون و آثار ادبی و هنری، تحلیل نشانه‌شناسی آنهاست.

ارتباطات غیرکلامی یکی از شاخه‌های نشانه‌شناسی است. (پهلوان‌نژاد، ۱۳۸۶: ۱۴) که انواع رفتارهای حرکتی افراد از جمله: حالت چهره، حرکت‌های بدن، ژست‌ها و حرکت‌های تنظیم

مکالمه و ... را در بر می‌گیرد؛ در واقع ارتباط غیرکلامی؛ شامل «پیام‌های آوایی و غیرآوایی است که با وسایلی غیر از وسایل زبانی و زبان‌شناسی، ارسال و تشریح شده‌اند.» (فرهنگی، ۱۳۷۵: ۱۵) بررسی متون مختلف از منظر ارتباطات غیرکلامی، که زنجیره‌هایی از نشانه‌های گسترده است، می‌تواند به خوانشی تازه از متن منجر شده و از لایه‌های معنایی متعدد آن پرده‌برداری نماید.

«نظریه اشاره» که نخستین بار در قرن نوزدهم توسط ویلهلم ونت (Wilhelm Wundt) معرفی شد، بیان می‌دارد که ابتدایی‌ترین شیوه ارتباط انسان‌ها، اشارات و نشانه‌هایی است که با دست ایجاد می‌شود. چنین زبانی به طور ناخودآگاه و در مواردی همراه با کلام به کار می‌رود؛ چنانکه حتی امروزه هنگامی که کسی را به سوی خود فرا می‌خوانیم، افزون بر اینکه کلمه‌ای را بر زبان می‌آوریم، با حرکت دست نیز آن کلمه را همراهی می‌کنیم و در وضعیتی که زبان مخاطب خود را ندانیم، تنها به اشاره متوسل می‌شویم. (یول، ۱۹۸۵: ۳ به نقل از پهلوان‌نژاد، ۱۳۸۶: ۱۵)

مایکل آرژیل (Micheal Argele) در تعریف ارتباط غیرکلامی آورده است: «ارتباط غیرکلامی یا پیام‌رسانی بدن، هنگامی روی می‌دهد که یک فرد به وسیله حالت‌های چهره، لحن صدا و یا هر مجرای ارتباطی دیگر، فرد دیگری را تحت تأثیر قرار دهد. این امر ممکن است عمدی یا غیرعمدی باشد.» (آرژیل، ۱۳۷۸: ۱۲) در عربی از آن به عنوان «الاتصال غیراللفظی» (موسی، ۲۰۰۳: ۳۱) یاد می‌شود و بیش از سایر انواع ارتباط در زندگی روزمره کاربرد دارد؛ زیرا سخن، نخستین و مسلط‌ترین ابزار برقراری ارتباط میان آدمیان است. (شریف‌نسب، ۱۳۹۰: ۷۲)

ارتباطات غیرکلامی (زبان بدن) شامل نشانه‌های غیرکلامی یا تصویری و دیداری در مناسبات اجتماعی است و همچون دیگر نشانه‌ها، دارای دال و مدلول است که با تغییر در دال، مدلول نیز تغییر می‌کند؛ مثلاً جمع شدن ابروها نشانه عصبانیت و باز شدن ابروها از یکدیگر نشانه رضایت و خوشحالی است. (شعیری، ۱۳۹۲: ۳۱) همچنین طرز قرار گرفتن، ایستادن، طرز لباس پوشیدن، ارتباطات چهره‌ای، اشارات اندامی، پیرا زبان، مصنوعات، زمان، مکان، موسیقی و ... نشانه‌های ارتباط غیرکلامی هستند که می‌توانند به صورت مستقل پیامی را منتقل نمایند و یا کمک کنند تا پیام‌های کلامی اثرگذارتر شوند. (محمودی و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۰۲) البته باید دانست که «ارتباط غیرکلامی فقط در موقعیت و فضایی که حوادث روی می‌دهند، تفسیر می‌شود و چه بسا در موقعیتی دیگر معنای دیگری داشته باشد.» (فرهنگی، ۱۳۷۴: ۲۸۷)

نشانه‌های بدنی مدخلی برای ورود به اعماق وجود هستند، زیرا آنها ابزاری تعبیری هستند که انسان آنها را برای تعبیر از افکار و حالات روحی خود یا دیگران به کار می‌گیرد؛ این تعبیر در چهره، رنگ صورت، چشم‌ها، دندان‌ها، مو، حرکات دست‌ها، نحوه نشستن، ایستادن، بلندی و کوتاهی قد، قوای جسمی، لحن گفتار، و ... تجلی می‌یابند و می‌توانند از طریق نشانه‌شناسی نشانه‌های بدنی کشف شوند تا متن را غنی ساخته و فضای معنایی وسیعی به آن ببخشند. (کلاب، ۲۰۱۶: ۱۵۲)

پیام (ارتباط) غیرکلامی دارای شش کارکرد است:

۱- تکمیل کردن: برخی پیام‌های غیرکلامی با پیام‌های کلامی همراه و هماهنگ هستند. یک پیام غیرکلامی علاوه بر کامل کردن پیام کلامی، آن را تقویت و روشن و شفاف می‌کند و معنایی «صحیح» از پیام را در اختیار مخاطب می‌گذارد؛ برای مثال، وقتی یکی از دوستان خود را می‌بینید و می‌گویید: «از دیدنت خوشحالم» و هم‌زمان او را در آغوش می‌کشید، پیام فرستاده شده، قوی‌تر و اثرگذارتر خواهد بود؛

۲- تکذیب کردن: بعضی پیام‌های غیرکلامی، پیام کلامی را نقض و تکذیب و حتی خنثی می‌کنند یا مغایر با آن هستند. وقتی پیام‌های کلامی و غیرکلامی مغایر با هم هستند، مردم بیشتر تمایل دارند پیام غیرکلامی را باور کنند؛ برای نمونه، طرف مقابل ممکن است با لحنی سرد و صدایی خصمانه بگوید: «مشکلی پیش نیامده است»، لحن در اینجا یکی از اجزای پیرایان است؛

۳- تکرار کردن: پیام غیرکلامی که تکرارکننده پیام کلامی است، گونه‌ای از پیام است که اگر کلام هم وجود نداشته باشد، می‌تواند به طور مستقل عمل کند؛ مثلاً وقتی که بخواهید در رستوران، به اندازه دو نفر غذا سفارش بدهید، هنگامی که می‌گویید دو غذا، دو انگشت خود را نیز نشان می‌دهید؛ در واقع پیام‌های غیرکلامی تکرارکننده پیام‌های کلامی هستند و برعکس؛

۴- کنترل کردن: تعامل‌های کلامی به سبب کنترل و جهتی که دارند، سازمان‌یافته‌اند. این کنترل و تدبیر وقتی با پیام‌های غیرکلامی همراه شود، بهتر به نتیجه می‌رسد. پیام‌های غیرکلامی کنترل‌کننده عبارتند از: نگاه کردن یا برگرداندن نگاه از شخص دیگر، بالا بردن یک انگشت ضمن مکث کردن برای نشان دادن خاتمه صحبت‌های خود، آهنگ صدا را بالا یا پایین آوردن و

؛...

۵- جانشینی: وقتی پیام‌های غیرکلامی به جای پیام‌های کلامی فرستاده می‌شوند، پدیده جانشینی رخ می‌دهد. نگاه خصمانه به کسی؛ مانند گفتن جمله‌ای منفی است و یک مفهوم را می‌رساند؛

۶- تأکیدی: پیام‌های غیرکلامی به منظور تأکید، تقویت، تکیه یا برجسته کردن پیام کلامی به کار می‌روند. مکث کردن پیش از صحبت کردن، حاکی از آن است که آنچه گفته خواهد شد، بسیار بااهمیت است.

این شش کارکرد همیشه به طور جداگانه اتفاق نمی‌افتند؛ هم‌زمان روی دادن آنها نیز کاملاً امکان‌پذیر است. (ر.ک. ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۸۸: ۹۱-۹۵)

۳. بحث اصلی پژوهش

در این بخش به بررسی حالت‌ها و نیز کارکردهای ارتباطات غیرکلامی در رمان الطلیانی پرداخته شده است.

۳-۱. حالت‌های چهره

حالات چهره پس از سخن گفتن، مهم‌ترین منبع اطلاعاتی افراد هستند؛ ارسطو بیش از همه در خصوص چهره، تجربه و بررسی داشته و اعلام می‌دارد که: میان چهره انسان با روح او رابطه تنگاتنگی وجود دارد و می‌توان با علایم موجود در چهره انسان و حالات و شکل ظاهری قیافه به ماهیت درونی انسان پی برد. (آلسکرلی، ۱۳۸۶: ۱۶) زیرا «ما می‌توانیم به وسیله حالات چهره، ناراحتی، عدم اطمینان، اعتماد، دلواپسی و ... را به گیرندگان پیام منتقل نماییم.» (احدیان، ۱۳۷۴: ۵۱) «حالات ظاهری صورت به شکلی قوی بر اخلاق درونی دلالت دارند؛ مانند خجالت، ترس، خشم، شادی و اندوه که هر یک از آنها دارای نوعی مخصوص است که در صورت آشکار می‌شود.» (الأنصاری، ۲۰۰۵: ۵۸)

در رمان الطلیانی، به هنگام توصیف صحنه تدفین حاج محمود، پدر عبدالناصر الطلیانی، نویسنده از ریش تراشیده و سایر ویژگی‌های پوشش الطلیانی سخن گفته است: «از لباسی که می‌پوشیم تا غذایی که می‌خوریم و نوشیدنی‌ای که می‌آشامیم و ... همه بیانگر ارتباط و معرف شخصیت و مقام اجتماعی ماست.» (فرهنگی، ۱۳۷۴: ۳۱۰) در واقع تراشیدن ریش و پوشیدن لباس‌های غیر سنتی نشانه‌ای از مبارزه میان سنت و مدرنیته و تلاش دانشجوی رشته حقوق برای آزاداندیشی و دوری از سنت قدیم است؛ کارکرد این نوع پیام از نوع جانشینی است از آن

روی که بیانگر شخصیت غیر سنتی و امروزی اوست که بر خلاف سنت پدر خویش عمل کرده است. این نوع شخصیت‌پردازی غیرمستقیم، خواننده را در درک درست شخصیت قهرمان داستان یاری می‌رساند. خواننده با کنار هم قرار دادن نشانه‌های مطرح‌شده از جانب نویسنده، اولاً به تمکن مالی خانواده طلیانی پی می‌برد؛ ثانیاً از تقابل سنت و مدرنیته در بین دو نسل آگاه می‌شود: «فأين وقار الحاج محمود وأناقته في جبته السكرودة التونسية وشاشيته الإسطنبولي أوفي بدلته الإفرنجية وقبعته المستديرة، على حدّ سواء، من طيش ابنه بسرّوال الدجينز وسترة الدنقري والشعر الأشعث واللحية المعفاة.» (المبخوت، ۲۰۱۴: ۵)

ترجمه: پس وقار حاج محمود کجاست و خوش‌پوشی‌اش در لباس بلند تونس‌ی و کلاه ماهوتی استانبولی‌اش یا در کت و شلوار فرنگی و کلاه لبه‌گردش، در مقابل سرکشی پسرش با شلوار دجینز و ژاکت دنقری و موی بلوند و ریش تراشیده؟

یکی دیگر از نشانه‌هایی که در رمان بازتاب داشته، لبخندزدن است؛ خنده از رایج‌ترین رفتارهای ارتباطی چهره به شمار می‌رود که رمزگشایی از آن کمی دشوار به نظر می‌رسد؛ زیرا خنده می‌تواند ساختگی هم باشد. (ر. ک. پیس و پیس، ۱۳۸۷: ۹۱) زمانی که عبدالناصر، شیخ علاله را کتک زده است، همه از این موضوع ناراحت هستند؛ تنها کسی که لبخند رضایت بر لب دارد و زبان به تحسین وی می‌گشاید، همسر شیخ است. لبخند در این بخش، نشانه‌ای از رضایت می‌باشد که با کارکرد تأکیدی به کار گرفته شده است چرا که تقویت‌کننده پیامی کلامی است که از طرف او بیان شده است. پس از گفتن این سخن، دیگران که از عمل زشت عبدالناصر ناراحت بودند، از جنینه روی برمی‌گردانند که کارکردی جانشینی در کلام دارد و نشانه ناراحتی آنها از حرکت اوست: «الشخص الوحيد الذي كان يبتسم، ابتسامة غامضة ملتبسة تجمع الرضى إلى شيء من الخبث وبعض الشّماتة هو زوجة الإمام، جارة العائلة بنفس الرّفاق، «للا جنينة». قالت لهم:

- عبدالناصر على حقّ ولو كنت مكانه لفعلت أكثر ممّا فعل

اندهش الجميع وأشاحوا بوجوههم عنها» (المبخوت، ۲۰۱۴: ۹)

ترجمه: تنها شخصی که می‌خندید، خنده‌ای مبهم و پوشیده ما بین رضایت از چیزی و اندکی شماتت، آن همسر امام بود، همسایه خانواده در همان خیابان؛ یعنی للا جنینه. به آنها گفت:

- عبدالناصر بر حق است و اگر من جای او بودم بیشتر از این می‌کردم

همه متحیر شدند و از او روی برگرداندند.

خنده و نشان دادن دندان‌ها در حین لبخند زدن نشانه‌ای از تمسخر و تحقیر طرف مقابل است؛ در صحنه‌ای که عبدالناصر بعد از گفتگوی سیاسی با زینه، نزد وکیلی می‌رود که به نوعی رهبر مسلک فکری آنهاست، وکیل لبخندی تمسخرآمیز بر لب داشته و با کلام و رفتار خویش این حس را به عبدالناصر القا ساخته است، این نوع پیام نیز دارای کارکرد تأکیدی است، چراکه وکیل با گفتن پیام کلامی خویش، این حقارت را مؤکد ساخته است:

«جلس المحامي على الكرسي المقابل بيتسم ابتسامة تنضح احتقارًا. كانت أسنانه تصطكّ وهو يخرج الكلمات من شفتيه موقّعة عنيفة حادّة هادئة في ظاهرها. قال له:

عندما كنتُ في حضن أمك كنتُ أقاوم الصّهائنة في جنوب لبنان» (همان: ۶۴)

ترجمه: وکیل روی صندلی روبرو نشست در حالی که لبخندی توأم با تحقیر می‌زد. دندان‌هایش روی هم ساییده می‌شد در حالی که کلمات را از لابلای لبان خود با تندی و شدت بیان می‌کرد و ظاهر آنها آرام بود. به او گفت:

- آنگاه که در آغوش مادرت بودی من در جنوب لبنان مبارزه می‌کردم.

انداختن آب دهان در صورت کسی یا در چیزی نشانه‌ای از نفرت تمام از آن شخص یا مسائل و اشخاصی است که با آن موضوع مرتبط هستند؛ بعد از این که زینه از جانب کسی مورد تجاوز قرار گرفته که او را ندیده؛ اما بوی دست او برایش آشناست، نسبت به پدر و برادر خویش تنفر عجیبی پیدا می‌کند به طوری که در غذایی که برای آنها تهیه کرده، آب دهان انداخته است. کارکرد این پیام، از نوع جانشینی است آنگاه که نفرت خویش را در قالب این عمل نشان داده است: «بصقت بكلّ ما أوتيتُ من جهدٍ في المرق. كان ذلك بداية انتقامها منها» (همان: ۱۱۱)

ترجمه: با تمام توان خویش در خورش تف انداخت. این ابتدای انتقام‌گیری او، از آن دو بود.

۲-۳. حالت چشم‌ها

چشم‌ها، بخش ویژه‌ای از چهره و منبعی بسیار غنی از رموز غیرکلامی به شمار می‌روند. چشم‌ها منعکس‌کننده درونیات فرد هستند که اثر آنها بر جسم محسوس است و تبدیل به زبانی راستین شده که آنچه را که کلام از بیان آن عاجز است، نشان می‌دهد. (شلق، ۱۹۸۴: ۵) تماس چشمی یا عدم آن می‌تواند مطالب زیادی در مورد احساسات و درونیات فرد منتقل کند. برخورد یا عدم برخورد نگاه‌ها می‌تواند گویای علاقه و صمیمیت، دوستی، خجالت، بی‌ادبی و ... باشد. (سوسمان و همکاران، ۱۳۷۶: ۴۱ و ۴۲) چنانکه «خیره شدن و زل زدن به کسی نشانه تعجب و

شگفتی است.» (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل خیره شدن) «چشم از نظر بیان اهداف و مقاصد و نیز به لحاظ تأثیر در ارتباطات انسانی، بیشترین کاربرد را داراست.» (السراقبی، ۲۰۱۸: ۱۶۱)

الطلیانی به خاطر بلایی که در کودکی از جانب علاله، شیخ مسجد محله، بر سر وی آمده و کسی غیر از خود وی از آن مطلع نیست، کینه‌ای عمیق از شیخ دارد، او نیز که از این موضوع مطلع است سعی دارد از نگاه کردن مستقیم به چشمان وی پرهیزد، در واقع، نگاه کردن به سمتی دیگر و پرهیز از تقابل نگاه با شخصی دیگر، بیانگر نوعی ترس از وقوع امری عجیب است که با کارکرد کنترل کردن در این بخش از رمان گنجانده شده است: «رأیته شاخصاً فی جارهم الإمام الذی کان یتحاشی أن ینظر إلیه ویتعمّد تلاوة القرآن وتردید الأدعیة مغمضاً عینیه.» (المبخوت، ۲۰۱۴: ۶)

ترجمه: او را دیدم که زل زده بود به همسایه‌شان، امام، که او از نگاه کردن به عبدالناصر پرهیز می‌کرد و به تلاوت قرآن و دوباره خوانی دعاها می‌پرداخت در حالیکه چشمانش را می‌بست.

درخشش چشم و در اصطلاح برق زدن آن، یکی از نشانه‌های خوشحالی شخص محسوب می‌شود؛ زمانی که طلیانی نزد حمادی، صفحه‌آرای مجله، مشغول یادگیری است، روزی صفحه‌بندی تازه‌ای را به او نشان می‌دهد که موجب درخشش چشمان حمادی می‌شود. این امر با کارکرد تأکیدی نشانگر شادی زائدالوصف حمادی از عمل طلیانی است. در کنار این امر به هوش بالای عبدالناصر نیز اشاره شده است: «فاجأ عبدالناصر صدیقه الجدید وأستاذة المبدع حمادی بإخراج جدید لم یخطر له علی بال. ترکه منزویاً فی رکن یشغل، وحين أتم عمله أراه ما فعل. التمتع عینا حمادی وقال له:

أقلید هذا أم من ابتكارك؟

أتبع تصمیم صحیفة ألمانیة.

ممتاز.» (المبخوت، ۲۰۱۴: ۱۶۶)

ترجمه: ناگهان عبدالناصر، حمادی - دوست تازه و استاد خلاقش - را با تولیدی تازه که به ذهن او خطور نکرده بود، شگفت‌زده ساخت. او را تنها در گوشه‌ای که مشغول بود، رها کرد و زمانی که کارش تمام شد آنچه را انجام داده بود به او نشان داد. چشمان حمادی برق زد و به او گفت:

- آیا این کاری تقلیدی است یا ابداع خودت؟

- صفحه‌آرایی یک مجله آلمانی را پیگیری کردم.

- عالی است.

نگاه با گوشه چشم و از روی خشم یکی دیگر از کارکردهای غیرکلامی چشم است که بیانگر خشم نسبت به کسی یا تنفر از او است؛ زمانی که سی عبدالحمید، مدیر مجله، تصمیم می‌گیرد که مجله ضمیمه هفتگی داشته باشد، از دبیران و سردبیران هر بخش می‌خواهد پیشنهادات خویش را برای جلسه بعدی آماده سازند، آنها زمان خروج با گوشه چشم به عبدالناصر می‌نگرند که مورد توجه خاص مدیر است. این پیام نیز دارای کارکرد جاننشینی نگاه به جای کلام است: «أنهى سي عبدالحميد الاجتماع فجأة مجدداً الترحيب بالجميع معتبراً أنّ اللقاء تمهيدي، وعلى المشرفين على الأقسام التباحث مع الصحفّيين وتقديم اقتراحاتهم مكتوبة حتى موعد الاجتماع القادم. خرجوا وهم ينظرون شزراً إلى عبدالناصر» (همان: ۱۷۴)

ترجمه: سی عبدالحمید به طور ناگهانی جمع را ترک کرد در حالی که مجدداً به همه خوشامدگویی می‌کرد و اعلام می‌کرد که این دیدار، مقدماتی است و دبیران بخش‌ها باید با روزنامه‌نگاران مباحثه کنند و پیشنهادهای کتبی خود را تا زمان اجتماع بعدی تحویل دهند. آنها خارج شدند در حالی که با گوشه چشم و خشم به عبدالناصر نگاه می‌کردند.

۳-۳. حالت‌های لامسه (تماسی)

نشانه‌های تماسی و لمسی که از آن به «علم اللّمس» تعبیر می‌شود، یکی از انواع ارتباط غیرکلامی است. «علم اللّمس یا علم التماس مطالعهٔ پیام‌های لمسی و تماسی در ارتباطات غیرکلامی است.» (بیدارمغز، ۱۳۹۲: ۱۹) البته «میزان لمس کردن و هدف از لمس کردن به میزان زیادی در نتیجهٔ هنجارهای فرهنگی به وجود می‌آید و گونه‌هایی دارد؛ مثل دست دادن، نوازش کردن، در آغوش کشیدن، گرفتن بازو و ...» (ریچموند و مک‌کروسکی، ۱۳۸۸: ۲۹۹) تأکید فراوان این نوع حالات، روی جسم است، زیرا «جسم مرکز جذب و کانون رمز است.» (بوزکور، ۲۰۱۶: ۷۴) در صحنۀ دفن حاج محمود، عبدالناصر آشفته و مضطرب به نظر می‌رسد، دایی و برادر بزرگتر وی، صلاح‌الدین، که به این اضطراب پی‌برده‌اند، به او نزدیک شده و با ضربه‌زدن روی شانه و در آغوش کشیدن وی سعی در ابراز همدردی با وی دارند. این پیام، جزو کارکردهای جاننشینی محسوب می‌شود: «بدأ عبدالناصر متوتراً. ربّت خاله علی كتفه ثمّ تفتّن صلاح‌الدین إلى توتّره فعانق أخاه الصّغير.» (المبخوت، ۲۰۱۴: ۷)

ترجمه: عبدالناصر آشفته به نظر می‌رسید. دایب‌اش روی شانه او زد؛ سپس صلاح‌الدین متوجه آشفته‌گی او شد و برادر کوچکش را در آغوش گرفت.

بیشترین کارکرد پیام‌های مربوط به حس لامسه، نشانگر محبت و علاقه بین دو طرف است؛ این موضوع زمانی که نجلاء برای سالگرد تولد زینه هدیه گرفته، با در آغوش گرفتن وی از جانب زینه به خوبی نمایان می‌گردد. کارکرد جانشینی بیشترین نمود را در این بخش دارد: «عانتها زینه بقوة شاکرة معجبة بالهدية.» (همان: ۱۹۵)

ترجمه: زینه با تمام توان او را در آغوش کشید در حالیکه از هدیه‌اش تعجب کرده بود، از او تشکر می‌کرد.

۳-۴. حالت دست‌ها

دست به عنوان اندامی که نقش بارزی در رساندن پیام‌های غیرکلامی ایفا می‌کند، دارای بازتاب خاصی در رمان است. قرار دادن دست در جیب به هنگام صحبت کردن کسی، نشانه‌ای از بی‌توجهی به صحبت یا رفتار اوست؛ راوی در مورد نحوه برخورد طلیانی با نصیحت‌های مادرش یا پرخاش‌گری‌های وی آورده که وی دست‌های خود را در جیب شلوارش قرار داده و با خواندن آواز یا سوت‌زدن بی‌توجهی خویش را به این امور اعلام کرده است. این پیام نویسنده نیز دارای کارکرد جانشینی است. این رفتار نشان‌دهنده روح سلطه‌جوی مادر و نیز سرکشی کودک در مقابل قدرت‌طلبی اوست: «وحین تشرع الأم فی ممارسة هوايتها فی التوبيخ أو التصحیح أو التقریر غیر المباشر ینتصب الطلیانی واقفاً ویضع یدیه فی جیبی سرواله مدندناً بأغنية فرنسیة أولحن أو یأخذ فی التّصْفیر ویغادر البیت.» (المبخوت، ۲۰۱۴: ۳۶)

ترجمه: زمانی که مادر در تمرین خواسته‌خویش، شروع به توبیخ یا نصیحت یا کوبیدن غیرمستقیم می‌کرد، طلیانی ایستاده بود و درحالیکه دستانش را در جیب شلوارش می‌گذاشت زیر لب آواز فرانسوی می‌خواند یا آوازی دیگر یا شروع به سوت زدن می‌کرد و از منزل خارج می‌شد.

جویدن ناخن یکی از نشانه‌هایی است که بر ناآرامی و احساس اضطراب دلالت دارد؛ در صحنه‌ درگیری بین عبدالناصر و زینه، بعد از ازدواج، به خاطر خرج‌های اضافی زینه، وی درحالیکه سیگاری را روشن کرده و ناخن‌هایش را می‌جود به سمت اتاق خواب می‌دود تا باقیمانده حقوق

ماهیاره را به عبدالناصر نشان دهد. این دستپاچگی و آمیختن پیام کلامی و غیرکلامی با کارکرد تأکیدی، بیانگر ناآرامی و تشویش درونی زینه است:

«صمت زینه. اشعلت سبجارة. ظهرت عليها أمارات التشنج وهي تقضم أظافرها. هرعت إلى غرفة النوم. جاءت بحقيبتها وفتحتها بعصبية. مدت له أوراقاً ثلاثاً من فئة خمسة دنانير. قالت له: تفضل!» (همان: ۱۲۹)

ترجمه: زینه سکوت کرد. سیگاری روشن کرد. نشانه‌های ناآرامی بر او آشکار شد در حالیکه ناخن‌هایش را می‌جوید. به سوی اتاق خواب دوید. کیفش را آورد و با عصبانیت آن را باز کرد. سه برگهٔ پنج دیناری به سوی او دراز کرد. به او گفت:

- بفرما.

گرفتن انگشت سبابه سمت کسی یکی از قدیمی‌ترین و معروف‌ترین نشانه‌های تهدید کسی است؛ در رمان زمانی که عبدالناصر به عنوان مصحح در دفتر روزنامه کار می‌کند، تصحیحاتی روی متنی فرانسوی که مدیر کل نوشته، انجام داده که سبب خشم او شده است. مدیر کل که نسبت به این امر عصبانی است عکس‌العمل نشان داده است. نویسنده در این بخش، تسلط کامل طلیانی به زبان فرانسوی را که در این کشور سابقه‌ای طولانی دارد، نشان داده است. نویسنده با آمیختن پیام کلامی با پیام غیرکلامی، کارکردی تأکیدی به کلام خویش بخشیده است. لحن انتخاب‌شده از طرف مدیر کل نیز بیانگر نوعی تحقیر است:

«اقرب الرئيس المدير العام من عبدالناصر شاهراً سبابة في وجهه، مشيراً إلى التصّ أمامه:

أنت تصحّح لي مطابقة الأزمنة في هذه الجملة؟» (المبخوت، ۲۰۱۴: ۱۵۱)

ترجمه: رئیس مدیر کل به عبدالناصر نزدیک شد در حالیکه انگشت سبابه را در مقابل صورتش گرفته بود و به متن مقابلش اشاره می‌کرد:

تو برای من تطابق زمان‌ها را در این جمله تصحیح می‌کنی؟

۳-۵. سکوت

«سکوت در ارتباطات، در فرهنگ‌های مختلف، می‌تواند نمایندهٔ مفاهیم مختلفی؛ نظیر بی‌احساسی، گم‌گشتگی، سرکوب‌شدگی، ابراز قهر، در فکر بودن، افسردگی، موافقت، عدم موافقت، شرمگین بودن، ادای احترام کردن و ... باشد.» (محسنیان‌راد، ۱۳۸۵: ۵۶)

سکوت گاهی نشانه‌ای از تفکر است؛ زمانی که عبدالناصر از برادرش می‌پرسد که چرا جنینیه، دختر سی الشاذلی، همسایهٔ آنها را ترک کرده و به فرانسه گریخته است؟ این سؤال،

صلاح‌الدین را به فکر فرومی‌برد و وی سکوت می‌کند تا به نتیجه‌ای که عبدالناصر از این سؤال می‌گیرد، فکر کند. از زاویه دیگری می‌توان پیام حاصل از این متن را، وجود آزادی در فرهنگ آنها دانست که به راحتی، جنینه توانسته است با صلاح‌الدین ارتباط برقرار کند زیرا اگر فرهنگ اسلامی حاکم بر سایر جوامع اسلامی در این جامعه نیز حاکم بود، به سادگی اجازه اختلاط پسر و دختر همسایه را نمی‌داد. می‌توان گفت که سکوت صلاح‌الدین کارکردی کنترلی دارد تا عمق کلام عبدالناصر دریافت شود:

«حینها سألہ:

لماذا هربت إلى فرنسا وتركت جنینة؟

فاجأه السؤال. صمت وهو يستجلی ما وراء السؤال» (المبخوت، ۲۰۱۴: ۲۰)

ترجمه: در این هنگام از او پرسید:

- چرا جنینه را رها کردی و به فرانسه گریختی؟

این سؤال او را غافلگیر کرد. سکوت کرد در حالیکه می‌اندیشید ماورای این سؤال چه چیزی است.

سکوت گاهی بیانگر نارضایتی و خشم طرف مقابل است؛ در گفتگوی سیاسی که بین عبدالناصر و زینه صورت می‌گیرد، بعد از پیروزی نسبی زینه، عبدالناصر قصد خروج از جلسه را دارد که دوستش مانع وی می‌شود اما وی ساکت باقی می‌ماند که نشانه‌ای از عصبانیت است. این سکوت، کارکردی جانشینی دارد و نشانگر نارضایتی طلپانی است. از سوی دیگری این امر ناتوانی عبدالناصر را در مقابل شَم قوی سیاسی در زینه و تسلط نسبی وی به سیاست و آشنایی‌اش با فلسفه را نشان می‌دهد که توانسته عبدالناصر را به سکوت وادار سازد:

«هم بالخروج. فأجلسته ماسكًا إياه من یده. عاود الجلوس أحدًا بخاطري. لم يلتفت إلى زینة. ظلّ صامتًا.» (همان: ۶۱)

ترجمه: خواست خارج شود. در حالیکه دستش را گرفته بودم او را سر جایش نشاندم. فقط به خاطر من دوباره نشست. توجهی به زینه نمی‌کرد. پیوسته ساکت بود.

۳-۶. زبان اشیاء

در کنار زبان بدن، زبان اشیاء قرار دارد؛ زبان اشیاء عبارت است از نمایش ارادی یا غیرارادی کالاهای مادی که انسان‌ها به کار می‌گیرند. زیورآلاتی که برای زینت بدن و لباس به کار می‌رود

مصنوعات شخصی نامیده می‌شود، جواهرات، عینک، کیف، کلاه، چمدان، عصا، شمشیر، نیزه و ... به واسطهٔ شخصیتی که از آنها استفاده می‌کند با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند.» (لیتل جان، ۱۳۸۴: ۱۸۷)

سیگار یکی از اشیائی است که به وفور در رمان الطلیانی بازتاب داشته است؛ زمانی که صلاح‌الدین با عبدالناصر در مورد وضعیت پیش آمده و دیدگاه بدبینانهٔ عبدالناصر سؤال می‌پرسد، او سیگار دوم را روشن می‌کند؛ وجود سیگار و استعمال آن در صحنه‌هایی که بین دو طرف درگیری لفظی وجود دارد، یکی از نشانه‌های عصبانیت شخص است که سعی دارد با استعمال سیگار آن را کنترل کند. این امر زمانی شدت می‌یابد که عبدالناصر سیگار دوم را با باقیماندهٔ سیگار اول روشن می‌سازد. در واقع این امر بیانگر ذهن آشفته و عصبانیت بیش از حد وی است که سعی دارد در برابر برادر بزرگترش آن را کنترل کند و با استفاده از کلام، سعی در پنهان ساختن این حس داشته است:

«أشعل سیجارتہ الثانیة من سیجارة فارقت شفثیه منذ ثوان وواصل:

أتعرف لِمَ لا أنهار عصبیاً؟» (المبخوت، ۲۰۱۴: ۱۹)

ترجمه: سیگار دوم را با سیگار قبلی که چند ثانیه قبل از لب‌هایش جدا کرده بود، روشن کرد و ادامه داد:

- آیا می‌دانی چرا عصبانی نشدم؟

سیگار در جای دیگر نشانه‌ای از روشنفکری محسوب می‌شود؛ زمانی که دانشجویان دانشکدهٔ فلسفه به وضعیت غذا معترض هستند، زینه خود را از این موضوع مبرا دانسته، در گوشه‌ای از حیاط ایستاده و سیگار می‌کشد. در این بخش، سیگار نشانه‌ای از متفکر بودن است که کارکردی جانشینی پیدا کرده است. نیز بار دیگر این نکته آشکار می‌شود که نویسنده با تأثیر از فرهنگ غربی، استعمال سیگار برای نوجوانان بویژه دختران را در این برههٔ زمانی عادی دانسته است. نیز از جنبهٔ دیگری می‌تواند نشانهٔ طلبِ بزرگی از جانب زینه باشد که از روستایی دورافتاده، گام در دانشگاهی بزرگ نهاده و سعی دارد با انجام رفتارهایی که متناسب شأن و جایگاه اجتماعی او نیست، خود را با جامعهٔ شهری همگام و هم‌سطح نشان دهد: «کانت تقف فی رکنٍ من أركان السّاحة صحبة أصدقاء لها من الأولاد والبنات یضحکون ویتحدّثون وهي وسطهم تمسک بسیجارتها كأنها أستاذة.» (همان: ۴۶)

ترجمه: گوشه‌ای از حیاط می‌ایستاد در حالیکه با دوستان پسر و دختر خودش صحبت می‌کردند و می‌خندیدند و او در میان آنها به سیگارش پک می‌زد گویی که استاد است.

۳-۷. محیط و فاصله

محیط، بیشتر از طریق غیرزبانی و کمتر از طریق زبانی به فرد نشان می‌دهد که چگونه راه برود، بنشیند، بایستد و دست کسی را بگیرد، در چه فاصله‌ای از شخص دیگر بایستد و برای چه مدتی. (اسمیت، ۱۳۸۱: ج ۲ / ۲۱ - ۲۲)

نزدیک ساختن صورت شخصی به شخص دیگر، نشانه‌ای از تلاش برای برقراری رابطه‌ای صمیمی است؛ چنین در تلاش‌های خویش برای برقراری ارتباط و ارضای روحی خویش از عبدالناصر نوجوان، صورت خویش را به وی نزدیک ساخته و با خنده و ناز کردن سعی در جلب توجه وی داشته است. این پیام دارای کارکرد جانشینی است. نیز فرهنگ فرانسوی رخنه کرده در فرهنگ این کشور را نشان می‌دهد که اجازه اختلاط با نامحرم را داده است:

«قربت وجهها من وجهه مبتسمة ابتسامة تجمع المکر مع الغنج.» (المبخوت، ۲۰۱۴: ۳۹)

ترجمه: صورتش را به صورت او نزدیک می‌کرد در حالیکه لبخند می‌زد؛ لبخندی که بین مکر و ناز بود.

در پاره‌ای از اوقات، کم کردن فاصله، نشانه اهمیت موضوعی است که طرف مقابل قصد بیان آن و مخفی ساختن مطلب از بقیه افراد را دارد؛ زمانی که بورقیه سقوط می‌کند و بن علی جانشین وی می‌شود، این امر به مجله نیز سرایت کرده و مدیر به عبدالناصر نزدیک می‌شود و از او در مورد اوضاع سؤال می‌پرسد. این پیام کارکرد تکمیل کردن پیام غیرکلامی به وسیله پیام کلامی را دارد. این پیام، بیانگر بخشی از تاریخ سیاسی تونس است که پس از روی کار آمدن بن علی، جوئی از اضطراب بر افراد حاکم شده است:

«حين أصبحا وحدهما نهض من كرسيه. أغلق الباب. واقترب من عبدالناصر:

لم أشأ الحديث أمامه. كيف ترى الأمر؟» (المبخوت، ۲۰۱۴: ۲۳۱)

ترجمه: وقتی که هر دو تنها شدند، از صندلی اش برخاست. در را بست. به عبدالناصر نزدیک

شد:

- در مقابل او حرفی نزد. نظر تو درباره این کار چیست؟

۳-۸. نماد

در علوم ارتباطات، از نماد به عنوان زیبایی‌شناسی غیرکلامی یاد می‌شود و عبارت است از «انتقال یک پیام یا حالت از طریق رنگ، موسیقی و نورپردازی در ارتباطات غیرکلامی.» (ولوین و دیگران، ۱۳۷۸: ۱۴۶)

وجود موانع امنیتی در هر مکانی، دال بر وقوع امری مهم یا امنیتی بودن اوضاع است، این امر در رمان الطلیانی نیز بازتاب یافته است؛ زمانی که عبدالناصر، بعد از صرف شام، قصد دارد زینه را در نیمه‌شب به منزلش برساند با موانع امنیتی روبرو می‌شوند که نشانگر فعالیت‌های سیاسی اسلام‌گرایان و مخالفت دولت با آنهاست. وجود موانع در این پیام، کارکرد جانمایی دارد: «کانت الطریق خالیة تقریباً. طوت سیارة الأجرة الطریق طياً إلى بارود حیث بیت عبدالناصر الذی یقطنه مع رفیق له. کانت بعد الحواجز الأمتیة منتصبه فی حدود حدیقة الباساج و حی باب سویقة ... کانت تحركات الإسلامیین تقصّ مضجع السّلات الأمتیة.» (المبخوت، ۲۰۱۴: ۷۷)

ترجمه: راه تقریباً خالی بود. تاکسی (ماشین کرایه) به سمت بارودو پیچید، به سمت منزل عبدالناصر که با دوستش در آن زندگی می‌کردند. (منزل) بعد از موانع امنیتی نصب شده بود؛ مابین پارک باساج و خیابان باب سویقه ... جنبش‌های اسلام‌گرایان، آرامش نیروهای امنیتی را به هم زده بود.

نویسنده ضمن استفاده از عناصر غربی در رمان خویش، از عناصر عربی نیز بهره گرفته که نمونهٔ بارز آن قهوه‌خانه است که از گذشتهٔ دور تا امروز، یکی از محل‌های تجمع در میان عربهاست. قهوه‌خانه حاجی، نشانه‌ای از محلی است برای تجمع افراد روشنفکر که کارکرد جانمایی دارد: «فی مقهى الحاج، حیث اعتاد أن یجلس لیطالع الجرائد.» (همان: ۱۴۸)

ترجمه: در قهوه‌خانهٔ حاج، جایی که عادت کرده بود که بنشیند و روزنامه‌ها را مطالعه کند.

۳-۹. نحوه و محل نشستن

نحوه و محل نشستن نیز یکی دیگر از ارتباطات غیرکلامی است که در رمان الطلیانی بازتاب داشته است. زمانی که زینه متنی زیبا و بدون غلط به زبان فرانسوی نوشته است، این امر شک معلم وی را برمی‌انگیزد، بنابراین از مدیر می‌خواهد که تقلب وی را مشخص سازد. نحوهٔ نشستن وی در برابر مدیر و معلم نشانه‌ای از بازخواست کردن است که ترس و اضطراب زینه

را نیز به همراه دارد. این پیام، کارکرد جانشینی دارد: «وقفتم أمام المدير والمعلم ولم تعرف كيف تبرئ ساحتها. أجلسها المدير على كرسي وهي ترتعد خوفاً والدّموع تنهمر من عينيها مدرازا» (المبخوت، ۲۰۱۴: ۷۳)

ترجمه: روبروی مدیر و معلم ایستاد در حالیکه نمی‌دانست چگونه خوش را مبرا سازد. مدیر او را روی صندلی نشانده در حالی که زینه از ترس می‌لرزید و اشک‌ها سیل‌آسا از چشمانش جاری می‌گشت.

جمع کردن زانو و قرار دادن سر روی آن، یکی از نشانه‌های ناراحتی است؛ زمانی که زینه از بلایی سخن می‌گوید که در نوجوانی بر سر وی آمده و سبب ناراحتی وی شده است، زانوهایش را جمع کرده و به سینه چسبانده و سرش را روی آنها قرار داده است. این پیام نیز شامل کارکرد جانشینی می‌شود: «غیرتُ جلستها جمعت ركبتيها إلى صدرها ولفت عليهما ذراعيها. وضعت رأسها على الركبتيين.» (همان: ۱۰۵)

ترجمه: نوع نشستنش را تغییر داد، زانوهایش را به سوی سینه‌اش جمع کرد و دستانش را دور آنها پیچید. سرش را روی زانوها قرار داد.

نتیجه‌گیری

با بررسی رمان الطلیانی می‌توان نتیجه گرفت که حالات چهره، بیشترین کارکرد را در این رمان دارند زیرا مخاطب از طریق گریه، خنده و حرکات چشم و لب و دهان گوینده به حالات درونی و احساسات وی پی خواهد برد. پس از آن، دست‌ها از دیگر اندام‌های پرکاربرد در رمان الطلیانی هستند. این پیام‌ها به خواننده در فهم و درک درست معنی مورد نظر نویسنده کمک زیادی می‌کند و نیز رمزگشایی از رفتارهای شخصیت‌های داستان را آسان‌تر می‌سازد. در مورد کارکردها نیز باید اذعان داشت که کارکرد جانشینی بیشترین بسامد را در رمان داشته است زیرا این رفتارها جانشین کلام شخص شده و نقشی بارز و بی‌بدیل در انتقال رمزهای نهفته در کلام نویسنده و شناخت شخصیت‌های به‌کار گرفته‌شده از جانب وی دارند. پس از آن، کارکردهای تأکیدی و تکمیل کردن بیشترین استفاده را داشته‌اند؛ اما در رمان، کارکردهایی؛ مانند تکذیب کردن و تکرار کردن به چشم نمی‌خورد.

همچنین بررسی رفتارهای غیرکلامی در این رمان نشانگر آن است که سطح تحصیلات، موقعیت، طبقه اجتماعی و احوال درونی، در نوع رفتار شخصیت‌ها تأثیر زیادی دارد که نمونه

بارز آن در شخصیت الطلیانی تجلی یافته که در زمان دانشجویی شخصیتی معترض و پرشور دارد؛ اما پس از انتخاب شغل روزنامه‌نگاری تبدیل به فردی محتاط می‌شود.

همچنین نویسنده بنابر موقعیتی که در رمان پیش آمده سعی در استفاده از عناصر غیرکلامی مثبت لبخند زدن، در آغوش گرفتن یا عناصر منفی؛ مثل اندوه، اضطراب و مخالفت داشته است که در این مسیر با هنرمندی تمام مخاطب را با ویژگی‌های درونی شخصیت مورد نظر خویش آشنا ساخته است.

افزون بر آن، با بررسی رمان و موارد مطرح شده می‌توان به وضوح تأثیرپذیری نویسنده از فرهنگ فرانسوی را در نوع برخوردها، خوراک، پوشاک، رعایت احترام و اختلاط با نامحرم، استعمال سیگار برای دختران و زنان و نوشیدن آزادانه مشروبات الکلی مشاهده نمود. رمان الطلیانی یکی از رمان‌هایی است که نمونه‌های زیادی از اروتیسم (Erotica) در آن به چشم می‌خورد؛ به نظر می‌رسد مستعمره بودن این کشور و تأثیرپذیری فراوان مردم تونس از فرهنگ فرانسوی سبب شده که نویسندگان و قشر فرهنگی آن، از فرهنگ اسلامی دور شوند و مطالبی را در لابلای کتاب بیان کنند که کمتر با اسلام و مضامین آن همخوانی داشته باشد زیرا به راحتی از مسائل جنسی و نیز نوشیدن مشروبات الکلی سخن گفته شده است.

منابع

منابع فارسی و عربی

- آرژیل، مایکل. (۱۳۷۸). روان‌شناسی ارتباطات و حرکات بدن؛ ترجمهٔ مهناز حیدری، تهران: انتشارات مهتاب.
- آلسکرلی، آلسکر. (۱۳۸۶). هنر و فن چهره‌شناسی (فیزیوگنومی)؛ ترجمهٔ قدیر گلکاریان، تهران: انتشارات طلایه.
- احدیان، محمد. (۱۳۷۴). مقدمات تکنولوژی آموزشی؛ چاپ دوازدهم، تهران: نشر و تبلیغ بشری.
- اسمیت، آلفرد. جی. (۱۳۸۱). ارتباطات و فرهنگ؛ ترجمهٔ اکرم هادی‌زاده و همکاران، تهران: سمت.

- الأنصاري، محمد بن أبي طالب. (۲۰۰۵). *السياسة في علم الفراسة؛ تحقيق أحمد فريد المزيدي*، بيروت: دارالكتب العلمية.
- باقری، مهري. (۱۳۹۰). *مقدمات زبان‌شناسی؛ چاپ پانزدهم*، تهران: قطره.
- بوزکور، مراد. (۲۰۱۶). «أنساق لغة الجسد: قراءة سيميائية في شعر كعب بن زهير»؛ *مجلة الن (۱)*، العدد ۲۰، صص ۸۵-۶۸.
- بيدارمغز، علی محمد. (۱۳۹۲). *ارتباط غیر کلامی؛ تهران: کارگزار روابط عمومی*.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا. (۱۳۸۶). «ارتباطات غیرکلامی و نشانه‌شناسی حرکات بدنی»؛ *زبان و زبان‌شناسی*، دوره ۳، شماره ۶، صص ۱۳-۳۴.
- پیس، آلن و باربارا پیس. (۱۳۸۷). *کتاب جامع ارتباطات غیرکلامی (زبان بدن)*؛ ترجمه فریبرز باغبان، مشهد: پژوهش توس.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). *لغت‌نامه*، تهران: دانشگاه تهران.
- ریچموند، ویرجینیا پی و جیمز سی. مک کروسکی. (۱۳۸۸). *رفتارهای غیرکلامی در روابط میان فردی (درسنامه ارتباطات غیرکلامی)*؛ ترجمه فاطمه‌سادات موسوی و ژیل‌عبداله‌پور، زیر نظر غلامرضا آذری، چاپ دوم، تهران: دانژه.
- السراقبي، وليد محمد. (۲۰۱۸). «سيمياء الجسد في القرآن الكريم دراسة تحليلية»؛ *مجلة دواة*، المجلد ۴، العدد ۱۶، صص ۱۶۷-۱۴۷.
- سوسمان، لایل و سام دیپ. (۱۳۷۶). *تجربه ارتباطات در روابط انسانی؛ ترجمه حبيب‌الله دعایی، مشهد: دانشگاه فردوسی*.
- شريف‌نساب، مريم. (۱۳۹۰). «ارتباط کلامی در شعر کهن پارسی (سؤال و جواب، مکالمه، مناظره و دیالکتیک)»؛ *کهن‌نامه ادب پارسی*، سال دوم، شماره ۲، صص ۷۱-۸۸.
- شعیری، حمیدرضا. (۱۳۹۲). *نشانه - معناشناسی دیداری؛ تهران: سخن*.
- شلق، علی. (۱۹۸۴). *العين في الشعر العربي؛ بيروت: دارالأندلس*.
- ضیمران، محمد. (۱۳۸۲). *درآمدی بر نشانه‌شناسی؛ تهران: قصه*.
- فلمار، کلاوس برند. (۱۳۷۶). *رنگ‌ها و طبیعت شفابخش آنها؛ ترجمه شهناز آذرنوش، تهران: ققنوس*.
- فرهنگي، علی اکبر. (۱۳۷۴). *ارتباطات انسانی (مبانی)؛ تهران: خدمات فرهنگی رسا*.

- _____ (۱۳۷۵). ارتباطات غیر کلامی - هنر استفاده از حرکات و آواها؛ میند: دانشگاه آزاد اسلامی.

- کلاب، محمد مصطفی. (۲۰۱۶). «العلامة والرواية: دراسة سيميائية في رواية (ستائر العتمة) لوليد الهودلي»؛ مجلة جامعة الشارقة للعلوم الإنسانية والاجتماعية، المجلد ۱۳، العدد ۲، صص ۱۵۹-۱۳۹.

- لیتل جان، استیفن. (۱۳۸۴). نظریه های ارتباطات؛ ترجمه سید مرتضی نوربخش و سید اکبر میرحسینی، تهران: جنگل.

- المبخوت، شکری. (۲۰۱۴). الطلياني؛ بیروت: دارالتنوير للطباعة والنشر.

- محسنیان راد، مهدی. (۱۳۸۵). ارتباط شناسی: میان فردی، گروهی، جمعی؛ تهران: سروش.

- محمدی، محمد هادی. (۱۳۷۸). روش شناسی نقد ادبیات کودکان؛ تهران: سروش.

- محمودی، مریم و دیگران. (۱۳۹۵). «ارتباط های غیر کلامی در روایت های تاریخ بیهقی»؛ کاوش نامه، دوره ۱۷، شماره ۳۲، صص ۲۳۱-۲۰۱.

- موسی، محمد الامین. (۲۰۰۳). الاتصال غیر اللفظي في القرآن الكريم؛ الشارقة: دار الثقافة والاعلام.

- ولوین، دارلین و اندرو ولوین و ری. ام برکو. (۱۳۷۸). مدیریت ارتباطات؛ فردی و عمومی، ترجمه سید محمد ایزدی و داوود ایزدی، چاپ پنجم، تهران: پژوهش های فرهنگی.

منابع الکترونیک

- سایت آرا رویترز، شکری المبخوت: «روایة الطلياني» هي سيرة جيل بأكمله، به قلم زکیة عبدالنبی، آخرین بازدید، ۲۰۱۹/۰۷/۲۲

<https://ara.reuters.com/article/entertainmentNews/idARAKCN0VO0MW>

- سایت جازنة كتارا للرواية العربية، آخرین بازدید، ۲۰۱۹/۰۷/۲۲

[http://www.kataranovels.com/novelist/%D8%A9%D%88%D%9AE%D%8A%D%85%D%84%D%9A%D](http://www.kataranovels.com/novelist/%D8%A9%D%9B%D%83%D%94B%http://www.kataranovels.com/novelist/%D8%A9%D%88%D%9AE%D%8A%D%85%D%84%D%9A%D)

سيمولوجيا التواصل غير اللفظي في رواية الطلياني لشكري المبخوت*

مسعود باوان پوري، طالب الدكتوراه في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة الشهيد مدني بأذربيجان.
عبدالأحد غيبي، أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة الشهيد مدني بأذربيجان.
مهين حاجي زاده، أستاذة مشاركة في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة الشهيد مدني بأذربيجان.
خليل پرويني، أستاذ في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة تربيت مدرس بطهران.

الملخص

السيمائية هي إحدى الدراسات متعددة التخصصات التي تحلل العلامات والمعنى المضمرة وراءها. التواصل غير اللفظي هو أحد فروع السيميائية التي تشمل مجموعة متنوعة من السلوكيات الحركية للناس بما في ذلك تعبيرات الوجه وحركات الجسم والإيماءات وحركات تنظيم المحادثة والخب. وكذلك هيئة الجسم وأوضاعه، واللباس، والأحوال الظاهرة، والإشارات الجسدية، ونبرات الصوت والإكسسوارات والزمن و... هي أنماط تواصل غير لفظي يمكنها أن تنقل الرسالة بشكل مستقل أو تساعد في جعل الرسالة أكثر فعالية وتأثيراً. فيحتوي هذا النوع من الاتصالات على ست وظائف تتمثل في الاستكمال والتفنيد والتكرار والتحكم والاستبدال والتأكيد. وفي هذا الصدد تسعى الدراسة الحالية إلى دراسة رواية الطلياني للروائي التونسي المعاصر شكري المبخوت من وجهة نظر أنماط التواصل غير اللفظي بما في ذلك تعبيرات الوجه وحالات العين والذوق والشم والأشياء والمسافة وما إلى ذلك. فتتيح هذه القراءة الجديدة للنص القارئ فك تشفير الرسائل التي نقلها المؤلف من خلال عناصر غير لفظية. وتعود أهمية رواية الطلياني إلى اختيارها كجائزة بوكور في عام ٢٠١٥م، حيث كان استعراضها الدلالي ضرورة رئيسة لهذا البحث. وأظهرت النتائج أن المخبوت استفاد أكثر من غيره من تعبيرات الوجه المختلفة والوظائف المرتبطة بها، إذ استخدم هذه الحالات للتعبير عن أشياء مثل الخوف من شيء غريب والرضى والسخرية والعار والخزي و... إلى جانب ذلك، تشارك الحركات وأجزاء أخرى أيضاً في توصيل رسائل المؤلف. ومعظم هذه الرسائل لديها وظيفة استبدالية.

كلمات مفتاحية: السيميائية، التواصل غير اللفظي، الرواية العربية، شكري المبخوت، الطلياني.

* - تاريخ الوصول: ١٣٩٨/٠٦/٠٨ هـ ش تاريخ القبول: ١٣٩٨/٠٧/٣٠ هـ ش

- عنوان البريد الإلكتروني للكاتب المسؤولة: hajizadeh_tma@yahoo.com

- المعرف الرقمي (DOI): 10.30479/lm.2019.11499.2859